

مقامات کلیسایی سوئیس و مسئولین کنفرانس اسلام و مسیحیت

مکان: سوئیس، شهر زوریخ / تاریخ: ۱۳۷۴/۹/۳

موضوع: وحدت عالی ادیان، حضور زنان در اجتماع

مقامات کلیسایی حاضر در جلسه عبارت بودند از: اسقف ژوزف کندولفی سر اسقف سوئیس، دکتر آنتون کادوتش مقام عالی رتبه کلیسای کاتولیک سوئیس و دبیر کل کلیسای جامع کاتولیک سوئیس، پروفیسور کیسلینگ رئیس مؤسسه سوئیس برای توسعه SAD، پروفیسور یوهان کالتونگ متخصص در تحقیقات صلح و درگیری و عضو هیأت علمی SAD و رئیس کنفرانس، پروفیسور آتسلاندر عضو هیأت علمی SAD.

- جعفری: از ملاقات آقایان بسیار خوشوقتم. اینجانب ملاقات با شخصیت‌های بزرگ مسیحیت را در راه افزایش آگاهی‌ها و تفاهم بیش‌تر، همواره مغتنم می‌دانم.
- کندولفی: من از دیدار شما خوشوقتم. آیا ملاقات‌های خوبی با پروفیسورهای دانشکده الهیات دانشگاه زوریخ و دانشگاه فرایبورگ داشتید؟
- جعفری: آری، بسیار خوب بود. در دانشکده الهیات فرایبورگ، بنا به پیشنهاد رئیس و استاد دانشکده الهیات، آقای پروفیسور فریدلی، سوره اول قرآن (سوره حمد) را به طور خلاصه برای دانشجویان، مورد ترجمه و تحقیق قرار دادم.
- کیسلینگ: دانشجویان چه سؤالاتی داشتند و برداشت شما از کلاس چه بود؟
- جعفری: مقداری از مسائل فرهنگی، اجتماعی، وضعیت زنان، جهاد اکبر و جهاد اصغر مورد سؤال قرار گرفت. برداشت من بسیار خوب بود، خصوصاً از آن جهت که آگاهانه یا ناآگاه، هماهنگی و وحدت‌یابی ملموس یا ناملموسی را در آنان می‌دیدم. آن‌چه که به طور جدی، چه علمی و چه فلسفی و چه مذهبی مطرح شد، حکایت از آن دارد که ما زبان یکدیگر را می‌فهمیم و این‌گونه ملاقات‌ها می‌تواند آینده روشنی را برای ما ترسیم کند. اگر این ملاقات‌ها را جدی بگیریم، قطعاً با آینده روشنی مواجه خواهیم شد، و بزرگان ادیان متوجه خواهند شد که دیگر نمی‌توانند در تضاد ناپودکونده به سر ببرند، بلکه با یک رقابت سازنده، مسیر تکامل را برای بشریت هموار خواهند ساخت.
- اینجانب در مطالعات علوم انسانی به این نتیجه رسیده‌ام که: اگر بخواهیم انسان‌ها را از تشنگی و احساس بیگانگی از یکدیگر نجات دهیم، چاره‌ای غیر از برخورداری از مذهب و اخلاق الهی وجود ندارد و این شخصیت‌های آگاه و صادقانه مذهبی هستند که می‌توانند روابط دوستانه میان انسان‌ها و ملت‌ها را به وجود بیاورند. اگر ما در این دوره که قرار گرفته‌ایم، بتوانیم این حقیقت را که علم، مذهب، فلسفه و عرفان تضادی با

هم ندارند، برای جوامع بشری نمایان سازیم، اولین گام را برای یک آینده روشن و سازنده خواهیم برداشت. در سال ۱۳۶۰ (ه. ش) که در سمینار ابن سینا در هند شرکت کرده بودم، دانشمندان شصت کشور جهان نیز در آن شرکت داشتند و هر یک از آن‌ها، یکی از ابعاد معرفتی شخصیت ابن سینا را مورد تحقیق قرار دادند. عده‌ای در آن سمینار جهانی اثبات کردند: وی دانشمندی برجسته بوده است، زیرا کتاب *قانون* را نوشته است. عده‌ای دیگر اثبات کردند: او فیلسوف بزرگ مشایی بوده که در فلسفه خود، از روش تعقل بسیار زیاد استفاده نموده است. کتاب *شفا* و دیگر آثار او شاهد این مدعا است.

عده‌ای دیگر اثبات کردند: ابن سینا از نظر عرفان، بسیار بالا بوده است، زیرا در کتاب *الاشارات والتنبیها*، خصوصاً نمط‌های هشتم، نهم و دهم، در قلمرو عرفان بسیار اوج گرفته است. در پایان این سمینار، از بنده خواسته شد چند جمله در خصوص ارزیابی سمینار و شخصیت ابن سینا صحبت کنم.

عرض کردم: در این چند روز، ما ابن سینا را به عنوان یک شخصیت مذهبی عارف، فیلسوف و دانشمند شناختیم. افراد برجسته دیگری هم البته نظیر ابن سینا وجود دارند، بنابراین مناسب است هنگامی که به کشور خود مراجعت نمودیم، نتیجه این سمینار مهم را که: «علم»، «فلسفه»، «عرفان» و «مذهب» با هم سازگاری دارند و هر یک از آن‌ها یک بُعد عالی شخصیت انسانی را اثبات می‌کند، به ارمغان ببریم. آری، باید شخصیت انسان را بالا ببریم، نه این‌که حقایق مکمل شخصیت انسانی را، ناسازگار با یکدیگر معرفی کنیم.

ماکس پلانک که یکی از چند فیزیک‌دان بزرگ جهان است، می‌گوید: «من مردی مذهبی هستم». او از فیزیک، یک فلسفه بسیار عالی انتزاع کرده، و در مورد «علیت»، «آزادی» و «آزاده» از دیدگاه فلسفی، بسیار عالی بحث نموده است. وی می‌گوید:

... هر شخص جدی و متفکر، به عقیده من به این امر متوجه می‌شود که اگر بنا باشد تمام نیروهای نفوس بشری در حال تعادل و هماهنگی با یکدیگر کار کنند، لازم است به عنصر دینی در طبیعت خویش معترف باشند و در پرورش آن بکوشند. این تصادفی نیست که متفکران بزرگ همه اعصار، چنان نفوس دینی ژرف داشته‌اند، هر چند چندان تظاهری به دینداری خود نکرده‌اند.^۱

اینک، از شما می‌پرسم: به نظر شما، ما که فرزندان حضرت ابراهیم علیه السلام هستیم، آیا می‌توانیم آینده بشری را به مذهب امیدوار کنیم و بشر به آینده امیدوار باشد؟

○ کندولفی: شما مطلب بسیار مهمی را بیان کردید. هر انسانی عمیقاً مذهبی است و یک هماهنگی خاص روحی و روانی میان پیروان مذاهب گوناگون دیده می‌شود. شما از عرفان و مذهب و فلسفه صحبت می‌کنید، ولی ما در ابتدای راه هستیم. بسیاری از ما احساس مذهبی داریم، ولی وقتی بیان می‌کنیم، ممکن است بیان‌های ما متفاوت باشد. هر چه در تجربه مذهبی عمیق‌تر باشیم، میزان وحدت بیش‌تر خواهد بود و هر چه سطحی‌تر بیندیشیم، تفاوت‌ها زیادتر می‌شود.

● جعفری: نظریه شما کاملاً صحیح است. مطلب بسیار مهم این است که ارباب ادیان هر اندازه عمیق‌تر بیندیشند، به وحدت عالی‌تری نزدیک می‌شوند.

○ گالتونگ: شما به حق اشاره کردید که ما فرزندان ابراهیم هستیم و کتاب داریم، اما افراد مذهبی دیگری هم

هستند، مثل بودایی‌ها و هندوها؛ با آن‌ها چه باید کرد؟

● **جعفری:** ادیان ابراهیمی، اتصال‌های رسمی و قوی دارند. در مورد دیگر ادیان، هنگامی که کشف شود آنان ابراهیمی هستند، می‌توانیم با یکدیگر هماهنگی دینی داشته باشیم. در مورد کسانی که مستقیماً ابراهیمی نیستند، اما اشتراک‌های مذهبی یا مکتبی با ما دارند، می‌توان با آن‌ها نیز در قلمروهای مختلف همکاری نمود و زمینه‌های مشترک پیدا کرد.

به عنوان مثال: در زمینه مسائل اخلاقی، زمینه‌های مشترکی وجود دارد، مانند نیروانا در بوداییسم و ابدیت در هندویسم. اگرچه در آیین هندو مسئله تناسخ مطرح است، اما به نوعی ابدیت و ارتباط با خدا نیز مطرح می‌شود. این ابعاد می‌تواند زمینه‌های مشترک همه ما باشد. متأسفانه بعضی از ما، یک وحشت غیر معقول از علم پیدا کرده‌ایم، در صورتی که جای هیچ وحشتی نیست.

علم کار خود را انجام می‌دهد و همواره نیز در حوزه‌ای که واقعاً در آن نفوذ کرده، آیات الهی را نشان داده است. عده‌ای از دانشمندان مسیحی و مسلمین در این زمینه کارهای خوبی انجام داده‌اند. هیچ‌گاه علم حقیقی و مذهب حقیقی با هم تضاد نداشته‌اند، بلکه دانشمندان و مذهبی‌های حرفه‌ای با هم ناسازگاری داشته‌اند. علم همواره قوانین را کشف کرده است و مذهب همواره می‌گوید که این قوانین را چگونه به کار ببرید تا به سوی ابدیت پیش بروید!

○ **آتسلاندر:** به نظر شما، آیا رجال مذهبی باید در تحقیقات دخالت کنند، یا دانشمندان در اصول مذهبی مداخله کنند؟

● **جعفری:** سؤال بسیار مهمی است. اگر بر فرض، مخالفتی میان مسائل علمی و مذهبی وجود داشته باشد - که البته ما چنین مخالفتی را از دیدگاه اسلام سراغ نداریم - بی‌تردید باید ناظرهایی را در کار داشته باشیم. ناظرهای متخصص مذهبی و علمی باید با همکاری یکدیگر اجازه ندهند این دو حقیقت در کار هم مداخله بی‌جا کنند و هم‌چنین ناظرها باید از تداخل‌های غیر منطقی در قلمرو این دو جلوگیری به عمل آورند.

○ **آتسلاندر:** تاریخ نشان می‌دهد علم و دین در کار هم مداخله کرده‌اند و از طرف دیگر، پیدا کردن این ناظرها مشکل است.

● **جعفری:** همان‌گونه که اشاره کردم، مداخله بی‌جا، به مذهبی‌ها و علمی‌های حرفه‌ای مربوط بوده است، نه به خود مذهب و علم. از طرف دیگر، دلیلی برای عدم امکان حضور نظاره‌گران متخصص و عادل وجود ندارد. بشری که کیهان را زیر پا گذاشته است، بی‌گمان می‌تواند این کار را نیز انجام دهد. یعنی: ناظران عالی را تربیت کند تا نگذارند حامیان علم و مذهب در کار هم اخلاص‌گری کنند، مشروط به این‌که خودخواهی‌ها را کنار بگذارند!

○ **آتسلاندر:** این نیز کاری مشکل است. روزی مردم فکر می‌کردند دانشمندان و اهل علوم تجربی، مشکلات جامعه را حل کرده و آن را سر و سامان خواهند داد. بعد ثابت شد که این کار از آن‌ها بر نمی‌آید و ارباب کلیسا و مردان مذهبی این کار را کرده‌اند!

● **جعفری:** در این مورد، این سؤال باید مطرح شود که: آیا تعدیل خودخواهی کاری مشکل است؟ این مطلب صحیح است، ولی وقتی بشر احساس کند به خاطر عدم تعدیل خودخواهی، رو به خودکشی می‌رود، اگر به حل این مشکل اقدام نکند، در حقیقت حاضر شده است به طور رسمی به تاریخ خود پایان بدهد.

همه ما می‌دانیم که اگر ده درصد گرفتاری‌های بشر به جهل او مربوط باشد، نود درصد بدبختی‌هایش از خودخواهی ناشی می‌شود.

○ کیسلینگ: آیا شما پیشنهاد می‌کنید رجال مذهبی با هم جمع شوند و صلح و صفا برقرار کنند؟ اما این بسیاری از اربابان مذاهب بوده‌اند که جنگ‌های خونین را به راه انداخته‌اند!

● جعفری: اگر دین را خوب تعریف کرده و از دین تعریفی صحیح در دست داشته باشیم که بگوید: همه افراد، حق حیات، حق شرف و حق آزادی مسئولانه دارند، دین هیچ‌گاه جنگ نمی‌آورد و آن را تجویز نمی‌کند، بلکه متدینین حرفه‌ای و دانشمندان خودخواه و دنیاپرست جنگ به بار می‌آورند. در گذشته، سوءتفاهم میان افراد مذهبی به خاطر عدم اطلاعات، یا به خاطر منافع یا خودخواهی بوده است که هرگز به خود مذهب الهی مربوط نمی‌شود. این تزاخم‌ها نباید مانع از رسیدن به تفاهم شود.

در این جا، ممکن است این اعتراض مطرح شود: بعضی از مذاهب‌ها نیز توصیف‌هایی را درباره انسان و جهان انجام می‌دهند، بنابراین اگر تضادی میان این توصیفات علمی با توصیفات مذهبی وجود داشته باشد، مشکل به جای خود باقی می‌ماند!

ما باید در فهم و تفسیر متون اصلی مذهب، مشکل را که نمایش تضاد میان «علم» و «مذهب» است، برطرف نماییم. این کار را مسلمانان درباره کتاب آسمانی خود (قرآن) انجام داده‌اند. امیدواریم برادران مسیحی نیز این کار را در متن کتاب مقدس خود انجام دهند و پس از این کنفرانس، یک سلسله کنفرانس‌هایی نیز در مورد حل چنین مشکلاتی برگزار شود.

○ کندولفی: می‌دانید که ما در سوئیس تعداد زیادی پناهنده مسلمان داریم و علاقه داریم آن‌ها مراسم مذهبی خود را انجام بدهند، اما در این زمینه مشکلاتی داریم، از جمله: در میان آن‌ها فردی که با مذهب و فلسفه اسلامی آشنایی کامل داشته باشد، وجود ندارد. از سوی دیگر، تصویری که از اسلام در مطبوعات ارائه شده است، چندان خوب نیست.

عده‌ای ما را ساده‌لوح دانسته و می‌گویند: با مسلمانان نمی‌شود گفتگو کرد! آن‌ها این‌گونه استدلال می‌کنند که عربستان سعودی به مسیحیان اجازه ساخت کلیسا نمی‌دهد و شما می‌خواهید با مسلمانان گفتگو کنید؟! این‌ها مسائل ماست.

● جعفری: پاسخ به این‌که چرا عربستان نمی‌گذارد در آن جا کلیسا ساخته شود، با این‌که پیامبر اکرم ﷺ کلیساها را از بین نبرد، به اداره‌کنندگان آن کشور مربوط می‌شود.

بنده فکر می‌کنم صرف‌نظر از مسائل سیاسی، با روحانیون دانشمند آن کشور مذاکره کنید تا این مسئله حل و فصل شود. اما در ایران می‌دانید که هر سه مذهب کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس دارای کلیسا هستند و در پارلمان نیز نماینده دارند.

○ کندولفی: در یونان نیز همین مشکل وجود دارد. کاتولیک‌ها حق ندارند کلیسای کاتولیک بسازند، زیرا کلیسای رسمی ارتدوکس است. صد و هفتاد سال پیش در شهر بازل، اگر کسی کاتولیک می‌شد، اجازه اقامت خودش را از دست می‌داد. به هر حال، من آرزو مندم این مشکلات حل شوند.

● جعفری: به نظر می‌رسد، اگر عواملی را که موجب چنان تضادهایی در آن دوران و در دوران کنونی بوده است،

تبیین نموده، آن‌ها را برطرف نماییم، مشکلات حل می‌شود.

○ گالتونگ: در سال ۱۹۴۷، در نروژ نیز مشکل مشابهی وجود داشت و حضور گروه‌های یهودی ممنوع بود. به نظر می‌رسد، مسائل ابتدا باید در یک سطح انسانی مطرح شوند، به این صورت که: هر کس بتواند به مذهب خود وفادار بماند و سپس وارد گفتگو شود. هم‌چنین، به طرف مقابل تفهیم شود که گفتگو، الزاماً مذهب او را زیر سؤال نمی‌برد. این چیزی است که «بردباری» و «تساهل» نامیده می‌شود.

○ کیسلینگ: در عربستان و بسیاری از کشورهای اسلامی، رشد جمعیت به دلیل افزایش موالید است. آن‌ها معتقدند: خدا روزی می‌دهد و رهبران مذهبی نیز این امر را تشویق می‌کنند. در ایران، رهبران مذهبی با مسئله کنترل جمعیت چگونه برخورد می‌کنند؟

● جعفری: نظر فقه شیعه و فقهای شیعه این است که نطفه تا پیش از انعقاد و قرار گرفتن در رحم قابل جلوگیری است، اما پس از ورود به اولین منزلگه هستی، دیگر نمی‌توان آن را سقط کرد.

○ کندولفی: برای ما غیر قابل تصور است که در پارلمان‌های آلمان یا فرانسه، با انجیل مشورت شود. این امر، نشانگر تفاوت ذهنیت‌هاست. از سوی دیگر نیز نشانگر اهمیت ارتباط و تماس مذهبی است.

● جعفری: این مطلب را باید در نظر گرفت که شعارهای برادری، برابری و آزادی اگر با مفاهیم حقیقی آن‌ها منظور شوند، هرگز با مذهب الهی منافاتی نخواهند داشت.

○ کیسلینگ: تعداد دانشجویان زن در ایران رو به افزایش است؛ آیا این امر مشکلی ایجاد نمی‌کند؟

● جعفری: چون اصالت خانواده در اسلام بسیار با اهمیت است، بنابراین روابط باید به گونه‌ای باشد که تحصیل بانوان تغییری در وضع خانواده ایجاد نکند. با وجود این، هیچ مانعی برای تحصیل آن‌ها وجود ندارد و تحصیل دانش، هم برای زن و هم برای مرد یک تکلیف است.

○ کیسلینگ: آیا مجتهد زن وجود دارد؟ ما الان بحث کشیش شدن زن‌ها را داریم.

● جعفری: برای زنان، هیچ مانعی برای رسیدن به مقام اجتهاد و فراگیری فقه و اصول وجود ندارد. بانو امین اصفهانی، مجتهدۀ معروفی بود که بعضی از مجتهدین معاصر در اصفهان از ایشان نظرخواهی می‌کردند. بحث مرجعیت در خصوص زن مطرح نیست، اما اجتهاد یک سطح علمی بالایی است که زن و مرد می‌توانند به آن درجه برسند. در دین اسلام، منابع اجتهاد عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و عقل. بعضی از مذاهب اسلامی، قیاس را هم از منابع اجتهاد می‌دانند. در دین یهود، منابع اجتهاد شامل تورات و تلمود است. آیا در مسیحیت منابعی برای اجتهاد وجود دارد که بتوان از آن‌ها احکام خداوند را برای زندگی امروز استنباط کرد؟

○ کندولفی: ما در تورات ده فرمان داریم و عیسی مسیح نه برای ابطال آن‌ها، بلکه برای اجرای آن‌ها آمد. اما در واقع می‌توان گفت: امروز آن‌چه باقی مانده، یک سری دستورات اخلاقی است.

● جعفری: در دورۀ قبل از رنسانس که کلیساها حاکم بودند و دستوراتی برای حرام و حلال داشتند، احکام را از چه منابعی استخراج می‌کردند؟

○ کندولفی: از زمان انقلاب فرانسه، اصول جدیدی تأسیس و حاکم شد و امروزه چیزی غیر از دستورات اخلاقی باقی نمانده است.

○ گالتونگ: اگر بخواهیم مانند شما در حوادث و مسائل بشری اجتهاد داشته باشیم، چه کاری باید بکنیم؟

- جعفری: برای اقدام به چنین کار با اهمیتی، اگر برادران مسیحی منابع دینی خود را، چه از مقوله نصوص و چه از دریافت‌شده‌های فطری و وجدانی که مورد قبول آنان می‌باشد، به ما ارائه بدهند، می‌توانیم با همکاری مشترک، گام‌های مؤثری در این مسیر برداریم.
- برای پاسخ به این مسئله، آقای کندولفی و آقای کیسلینگ به مشورت پرداختند، ولی به نتیجه روشنی نرسیدند.